

فریدون برکشلی: | بازار جهانی نفت در دوران فرا نظم نوین



پنجشنبه ۹ آوریل (21 فروردین ماه) از آن دست روزهایی است که در تاریخ صنعت جهانی نفت به یادگار خواهد ماند. همه تولیدکنندگان نفت جهان یکصدا خواستند که ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد. این شروع شاعرانه‌ای بود برای ورود به بحثی بسیار سنگین و پرمخاطره.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا جرقه این موضوع را زد. دونالد ترامپ پیش از همه با اتخاذ سیاست‌های خاص در ۲۰۱۷ ابتدا جنگ اقتصادی با چین را شروع کرد و با وضع ۱۵ درصد تعرفه تازه بر بخشی از صادرات چین به آمریکا، جهانیان را به حیرت انداخت. چینی‌ها حتی برای حمله اتمی آمریکا علیه کشورشان هم برنامه ارزی داشتند، اما برای نبرد تجاری و گمرکی ابداً تصویری نداشتند. چین در عمل مقابله به مثل کرد و کامیابی نداشت. آمریکا هم که نقطه ضعف را پیدا کرده بود، بر فشار خود افزود. اقتصاد چین در دوره ۲۰۱۴ به بعد با ارقام رشد تولید ناخالص داخلی دورقمی خداحافظی کرده بود، اما فشار آمریکا در کمتر از یک سال معادل ۱.۱ درصد از رشد تولید ناخالص داخلی پیش‌بینی‌شده را هم کاست. ابتدا شواهد دلالت بر آن داشت که هدف اصلی آمریکا، دستیابی به سازشی با چین برای مدیریت مشترک دریای جنوبی چین است که روزانه ۱۵۰ سوپرتانکر از میانه آن عبور می‌کند و مهم‌ترین گلوگاه ژنواکونومی چین است.

با گذشت مدت زمانی، چین دریافت که آمریکا برای مقابله با تبدیل اقتصاد چین به قدرت اول اقتصادی جهان برنامه دارد. با توجه به آنچه بیان شد، رشد مصرف انرژی چین که منبعت از رشد تولید ناخالص داخلی و بزرگ شدن اقتصاد است، آسیب دید و پیش‌بینی‌های دبیرخانه اوپک و آژانس بین‌المللی انرژی، مرتباً به سمت تقاضا و مصرف پایین‌تر انرژی از سوی چین به‌روزرسانی می‌شد. بدیهی است که با کاهش مصرف انرژی در چین که طی دو دهه موتور رشد تقاضای نفت جهان و به‌ویژه خاورمیانه بود، تولیدکنندگان نفت برای حفظ سهم خود در بازار رقابت سختی را شروع کردند. با توجه به آنچه بیان شد، درواقع ویروس کرونا بر بستر یک بازار آسیب‌دیده که پیشاپیش متحمل لطمات سختی شده بود، وارد شد. همه این آسیب‌ها هم ناگهانی،

پیش‌بینی‌نشده و سهمگین بودند. تبعات این صدمات، ابتدا به کره جنوبی، ژاپن، تایوان و دیگر کشورهای منطقه شرق آسیا و سپس به اروپا، آمریکا و بقیه جهان سرایت کرد.

چین معادل ۵۰ درصد از تقاضای نفت خود را از دست داد. جهان ۳۴ درصد از مصرف خود را در طول سه ماه نخست ۲۰۲۰ از دست داد. در ششم دسامبر ۲۰۱۹ الکساندر نوواک، وزیر انرژی روسیه برای گفت‌وگو با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه شبانه به مسکو رفت و سه ساعت بعد به وین بازگشت تا به اوپک، اوپک پلاس و بازار جهانی نفت بگوید که روسیه با کاهش ۱.۷ میلیون بشکه جمعی مخالف است. حالا ایشان در اجلاس مجازی اوپک پلاس در مورد کاهش ۱۰ میلیون بشکه‌ای جمعی تنها در فاز اول گفت‌وگو می‌کند. این بحث را با صحبت از طرف تقاضا شروع کردیم، اما حالا طرف عرضه است که جدی‌تر از همیشه ثبات بازار جهانی را تهدید می‌کند. پدیده‌ای که عامل شرایط کنونی عرضه جهانی نفت است، ظهور نفت شیل است. نفت شیل در کمتر از یک دهه ۱۱ میلیون بشکه نفت جدید وارد بازار کرده است. شیل دی‌ان‌ای (DNA) بازار نفت را دگرگون کرد.

شیل نفت خامی است که از طریق روشی موسوم به کراکینگ به دست می‌آید. البته هزینه تولید آن بالاست و در قیمت میانگین حدود ۴۰ دلار قابل تولید است. فناوری بهره‌برداری از آن پیشرفته است و تأثیرات مخرب زیست‌محیطی دارد. تولیدکنندگان عموماً شرکت‌های کوچک و متوسطی هستند که به یُمن وام‌های بانکی کم‌بهره فعالیت می‌کنند. تولیدکنندگان شیل، قرار نیست خرج یک کشور را به عهده داشته باشند و سود ۵-۱۰ درصد هم برایشان کافی است. شیل در بستر بازار مصرفی متزلزل و تخریب‌شده، به بازار سرازیر و معمار بازاری شد که صنعت نفت جهان تاکنون تجربه نکرده است.

دونالد ترامپ که تا ۶ ماه پیش، اوپک را کارتل ناقابل‌ی می‌دانست و عربستان را به خروج از آن ترغیب می‌کرد، اینک دست به دامان آن شده تا بازار را از سقوط نجات دهد. ترامپ یکی از معدود رؤسای جمهور حزب جمهوری‌خواه است که نفتی نیست، اما به‌خوبی می‌داند که باید شیل را حفظ کند. شیل به تگ‌زاس حیات دوباره‌ای بخشیده و ترامپ هم حالا خواهان ثبات بازار نفت است. در این میان، توجه به این نکته مهم است که امروز مسئله نفت بیش از هر زمان دیگر در طول پنج دهه اخیر سیاسی است.

هنگامی که محمد بن سلمان، عبدالعزیز را به وزارت نفت منصوب کرد،

شاید می‌دانست که عربستان و بازار جهانی نفت شرایط پرفراز و نشیبی را پیش رو دارد. محمد بن سلمان متولد سال ۱۹۸۵ است. وقتی صدام به کویت حمله کرد، بن سلمان ۵ ساله بود. عبدالعزیز، اما کارکشته و نفتی است. او بنا داشت که پس از وقفه طولانی پس از پایان دوره زکی یمانی، مجدداً ژئوپلیتیک نفتی عربستان را احیا کند. عربستان می‌داند که با ظهور شیل و با قدرت گرفتن تولید و عرضه نفت روسیه، مدیریت یک تنه بازار جهانی نفت از سوی اوپک ناممکن است.

روسیه هم همیشه نگرش فرانفتی و ژئواستراتژیک به بازار جهانی نفت و انرژی دارد. ولادیمیر پوتین پس از استالین، اینک طولانی‌ترین مدت زمامداری در کاخ کرملین را در پیشینه خود دارد. اینکه عربستان و روسیه، در پشت‌پرده با آمریکا چگونه قرار و مدارهایی دارند، محل بحث‌های دیگری است، اما سه بازیگر اصلی بازار جهانی نفت یعنی روسیه، عربستان و آمریکا تا اینجا در اجلاس ۹ آوریل وارد یک بازی برد - برد شده‌اند. براساس توافق مجازی پنجشنبه ۹ آوریل صادرکنندگان خالص نفت خام جهان به‌صورت پلکانی و مرحله‌ای در ماه‌های مه و ژوئن سال جاری ۱۰ میلیون بشکه در روز از تولید خود خواهند کاست. پایه شروع کاهش، تولید ماه اکتبر ۲۰۱۸ در نظر گرفته شد. در ادامه برای ۶ ماهه آخر ۲۰۲۰ کاهش ۸ میلیون بشکه در نظر گرفته شد. کاهش فاز بعدی تولید برای یک دوره ۱۶ ماهه از ژانویه ۲۰۲۱ تا آوریل ۲۰۲۰ معادل ۶ میلیون بشکه در روز به تأیید رسید.

انتظار می‌رفت که توافقی‌های ۹ آوریل اوپک پلاس، در نشست وزیران نفت و انرژی گروه ۲۰ (G20) به تصویب رسانده شود. در صورت تصویب تصمیم‌های نشست، اوپک پلاس نوعی مشروعیت و جنبه قانونی یا معاهده پیدا می‌کرد که درواقع نظم نوین نفتی که در ۲۰۱۷ شکل گرفته بود به پایانی زودهنگام می‌رسید و به سند نوین نفتی بین‌المللی تبدیل می‌شد، اما در گروه ۲۰، آمریکا که با قول و قرارهای پیشین خود با عربستان و روسیه، نشست مجازی اوپک پلاس را به راه انداخته بود، تنها به کلیات بسنده کرد و هیچ اشاره مهمی به نتایج نشست نکرد.

بی‌توجهی نماینده آمریکا در حدی مشهود بود که تعدادی دیگر از کشورهای حاضر در نشست و ذی‌نفع در تصمیم‌های نشست ۹ آوریل هم خود را بلامتکلیف دیدند. الکساندر نواک که در گروه ۲۰ عملاً تنها افتاده بود، پیشنهاد تشکیل کمیته نظارتی برای تضمین پایبندی کشورهای متعهد به پیمان را داد، اما سخن او نادیده گرفته شد. درواقع روسیه با این پیشنهاد قصد داشت مکانیزمی برای نظارت بر تولید لجام‌گسیخته نفت شیل طراحی کند. سیستم نظارت بر تولید پیش‌تر توسط

اوپک در اواسط دهه ۱۹۸۰ تجربه شده بود و نتایج مثبتی هم داشت.

تا اینجای کار به هر صورت به نظر می‌رسد که بازار جهانی نفت به حال خود رها نشده و راهکارهایی برای مواجهه با سونامی شیل پیش روی بازار قرار دارد. بازار اینک سخت، تقاضا محور است و چشم‌ها به طرف تقاضا دوخته شده. معامله‌گران نیز عمدتاً به اخبار بخش تقاضا حساسیت دارند. بازگشت چین به ارقام پیشین تولید ناخالص داخلی، آینده مبهم اقتصاد آمریکا که اینک با ۲۴ تریلیون دلار کسری بودجه به سوی انتخابات سرنوشت‌سازی می‌رود که نفت شیل کانون آن است، اتحادیه اروپا و بریتانیایی که اینک در آن عضو نیست، همگی پاسخ‌هایی هستند که در طرف تقاضای جهانی نفت تعریف می‌شوند. اوپک و غیراوپک، نمی‌خواهند آن‌طور به شیل نگاه کنند که تولیدکنندگان زغال‌سنگ در اوایل قرن بیستم به تولیدکنندگان نفت نگاه می‌کردند. شیل بازار خود را پیدا خواهد کرد، اما راهکار زندگی مسالمت‌آمیز در کنار نفت خام‌های متعارف را باید بیاموزد.

فریدون برکشلی

رئیس دفتر مطالعات انرژی وین